



نقش امام رضا(ع) در تثبیت خط امامت

پیغمبر می‌گویند آن وجودی که سرمایه من است، میوه دلم صدیقۀ اطهر است و دومین وجودی که سرمایه وجودی من است و از من است، علی بن موسی الرضا است. چرا؟ چون اگر این دو وجود مقدس نبودند، مسئله امامت که مسئله ناب اسلام است، از بین می‌رفت و امامت براندازی می‌شد.

خراسان دفن می‌شود. بضعه را ما ترجمه می‌کنیم «پاره تن»؛ اما این طور نیست. بضعه از ماده بضاعت است. بضاعت یعنی سرمایه. در اجزای بدن انسان، آن عضوی که جنبه سرمایه‌ای دارد، بضعه نامیده می‌شود. کبد و قلب را بضعه می‌گویند؛ چون سرمایه حیاتی است.

«پیغمبر اکرم(ص) درباره دو عزیزشان تعبیر «بضعه» را به کار بردند: وجود مقدس صدیقۀ اطهر(س) و وجود اقدس امام رضا(ع). درباره صدیقۀ اطهر فرمودند: «این فاطمه بضعة منی.» (فاطمه بضعه من است.) درباره امام هشتم فرمودند: «ستدفن بضعة منی بخراسان.» (بضعه‌ای از من در سرزمین

عزت و عظمت خدام امام رضا(ع)

«خدام امام رضا(ع) خیلی عزت و عظمت دارد. شما در اذن دخول که می‌خوانید: «و أستاذن خلیفتک الإمام المفروض...»

.....ادامه مطلب صفحه ۵

جلوگیری از تکرار این حوادث

«حادثه جان‌گداز تصادف قطار که متأسفانه عده‌ای از زوار امام هشتم(ع) آسیب دیدند و بعضی از بین رفتند، باعث تأثر خاطر شد.

.....ادامه مطلب صفحه ۴

از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟

«بسیاری از من می‌پرسند: «شب ولادت امام رضا(ع) از حضرت چه حاجتی بخواهیم؟» اینکه می‌گوییم: «از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟» مفهوم خوبی ندارد.

.....ادامه مطلب صفحه ۲



شب می‌بینیم عجب زندگی آبادی داشته‌ایم، راضی بشود؟ هیچ «چه کنم» ی نداشته‌ایم و همه مشکلات برطرف شده است، محبوبیت ایجاد شده و از همه مهم‌تر اینکه خسته نشده‌ایم، نشاط کارمان محفوظ مانده و شده‌ایم مصداقِ «تجعل اوقاتى... مأمورة».

۱. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۵۴۹.
۲. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۶۶؛ سید بن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۰۹.

خدمت به پروردگار، انسجام‌بخش زندگی

کن‌واز پریشانی و متلاشی شدن نجات‌دهنده. خدایا، به عزت امام هشتم(ع)، نقطه کمال ایمان و زندگی ایمانی ما یعنی فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله را تعجیل بفرما.

خدایا، در این عید امام هشتم(ع) عیدی کامل، هم در دنیا و هم در آخرت، از محضر مقدس علی بن موسی‌الرضا(ع) به همه ما کرامت بفرما.

خدایا، ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از دل‌دادگی و دل‌بستگی ما به ولایت علی بن موسی‌الرضا(ع) بهره‌مند کن. سایه پُربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ما مستدام بدار.

پروردگارا، انواع خیرات و برکاتی را که شایسته این سرزمین مقدس ولایی علی بن موسی‌الرضا(ع) است، بر همه این کشور نازل بفرما.

۳. سهم خدا در کار ما چیست؟ این کارمان چقدر خدمت به مردم و بندگان خداست؟ چقدر خدمت به دین ماست؟ چه اندازه از این کارمان عبادت است؟ برادران و خواهران، اگر در این ویرانه زندگی این نقش را داشتیم، یعنی در هر عملی خدا را به یاد آوردیم، این زندگی آباد می‌شود. باید از صبح تا شب این‌طور کار کنیم؛ بعد

داریم جلو می‌رویم و تا آخر عمر می‌خواهیم همین مسیر را ادامه دهیم. تنها چیزی که در زندگی ما انسجام به وجود می‌آورد، خدمت به پروردگار است. اگر کارهایمان عبادت باشد، خدمت به دین یا مردم باشد، زندگی‌مان یکپارچه می‌شود. هر کار و شغلی داریم، یک گوشه‌اش باید عبادت و توجه به خدا باشد. این، زندگی را از متلاشی شدن نجات می‌دهد و پراکندگی از بین می‌رود.

همه این‌ها روی هم‌رفته تقوای عملی است. انسان باید تقوادر برنامه‌های عملی خود اجرا کند. شما برادران و خواهران، هرچه دوست دارید، از امام رضا(ع) بخواهید؛ اما بعد از همه خواسته‌هایتان، این جمله دعای کمیل را هم از امام رضا(ع) بخواهید. خودتان را به امام رضا(ع) بسپارید و بگویید: «آقا، زندگی ما را با این دو خصوصیتی که امیرالمؤمنین(ع) یاددادند، آباد

اینکه می‌خواهیم در عرصه این دنیا چه کنیم، ما را مستأصل می‌کند.

در این جمله دعای کمیل، بعد از این همه صدازدن خدا و قسم‌دادن، می‌گوییم: «آن تجعل اوقاتى من الليل و النهار بذكرك معمورة». خدایا، در این ویرانه یک آبادی برابیم درست کن. آن آبادی ذکر و یاد توست. یعنی اگر «لااله الاالله» گفتیم، زندگی‌مان آباد می‌شود؛ اگر «استغفرالله» گفتیم، زندگی‌مان آباد می‌شود. اینکه «خدایا تو به وسیله ذکر، در زندگی‌ام آبادی ایجاد کن»، یعنی چه؟ ذکر «لااله الاالله» و «سبحان الله» و «الله اکبر» نیست. این ذکر از قبیل اذکاری نیست که عده‌ای به عنوان عارف به ما یاد می‌دهند. این ذکر عبارت است از اینکه در زندگی هر کار می‌خواهیم بکنیم، در آن کار سه نکته را مدنظر داشته باشیم:

۱. از طرف خدا اجازه داریم یا نه؟ این کار حلال است یا حرام؟
۲. چطور این کار را انجام دهیم که خدا



دومین چیزی که در زندگی از آن رنج می‌بریم، پراکندگی زندگی است و اینکه کارهایمان با هم جور در نمی‌آید. کاری را شروع می‌کنیم و وسط کار خسته می‌شویم. مسئولیتی را می‌گیریم و بعد از چند روز خسته می‌شویم. کاری هم که انجام ندهیم، از انجام‌دادن و بیکاری ناراحت می‌شویم! اوقاتمان از هم پاشیده است و به هم متصل نیست. از یک کارمان خوشمان می‌آید و از کار دیگرمان بدمان می‌آید. یک کار را انجام می‌دهیم و پشیمان می‌شویم. کار دیگری را انجام می‌دهیم و بعد می‌گوییم: «چرا کم کردم؟!» باید بدانیم مسیری را پیش گرفته‌ایم و

و خصصتنا بهذه النعمة فصل علی مولانا و سیدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المستشهدین بین یدیه طائعين غیر مکرهین فی الصف الذى نعت أهلہ فی کتابک كأنهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام. اللهم هذه بیعة له فی اعناقنا الی یوم القيامة. عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله.

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمی.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حیّهم و میّتهم و عثا و عن والدینا من الصلوات و التحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و منتهی رضاه و عدد ما أحصاه کتابه و أحاط به علمه.

اللهم إنا نجدّد له فی هذا الیوم و فی کل یوم عهداً و عقداً و بیعة له فی رقابنا. اللهم کما شرفتنا بهذا التشریف و فضّلتنا بهذه الفضیلة



الحمد لله المتفرد بالکبریا و أشهد أنه المتوحد بتدبیر الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للواء و أكمل الکماء و أفضل السفراء و خاتم الأنبیاء و أشهد أن أمير المؤمنین علی ابن أبی طالب و أولاده المعصومین هم

از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟

قدست، به اعظم صفات و اسمائت دو چیز می‌خواهیم:

یکی اینکه زندگی‌مان را با یاد خودت آباد کنی؛ دوم اینکه با خدمتی که در درگاه عبودیت تو انجام می‌دهیم، زندگی‌مان را از پراکندگی درآوری.

ببینید برادران و خواهران جوان، شما تازه وارد زندگی شده‌اید و تجربه‌تان کمتر است. در زندگی دو چیز ما را از پا درمی‌آورد: یکی ویرانی زندگی است. زندگی‌ای که ویران باشد، در هر جای این زندگی قرار بگیریم، با «چه کنم؟» روبه‌رویییم؛ چطوری غذایمان را تأمین کنیم؟ چطوری شب و روزمان را بگذرانیم؟ به کدام رشته تحصیلی برویم؟ کدام شغل را انتخاب کنیم؟ همه زندگی‌مان با «چه کنم؟» است. حتی اگر بخواهیم در خرابه و ویرانه هم زندگی کنیم، همین‌ها را می‌پرسیم. دنیا برای ما دقیقاً همین است.

این ویرانه‌بودن زندگی، ما را از پا درمی‌آورد. هم فکر ویرانه‌بودن زندگی ما را از پا درمی‌آورد و هم گرفتارشدن به زندگی در ویرانه دنیا ما را گرفتار می‌کند. همین فکر

هشتم(ع) نیست. هرچه درباره مسائل مادی، زندگی، مشکلات فردی و اجتماعی بخواهیم، حضرت(ع) تأمین می‌کند.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و أصلح ما کان فسد من دنیانا». آقا، عشق شما دینمان را به ما یاد داد. همه خرابی‌های دنیای ما را هم عشق شما آباد ساخت و وابستگی به شما درست کرد. بنابراین نمی‌شود محدود کرد که از امام رضا(ع) چه بخواهیم؛ اما هرچه بخواهیم، به ارزش این خواسته نمی‌رسد که در فقرات دعای کمیل از خداوند می‌خواهیم. در دعای کمیل با خدا خیلی حرف می‌زنیم و حرفمان به اینجا می‌رسد که دو بار هر بار خدا را صدا می‌زنیم و می‌گوییم: «یا رب یا رب یا رب یا إلهی و سیدی و مولای و مالک رقی یا من بیده ناصیتی یا علیم بصری و مسکنتی یا خبیرا بفقری و فاقتی یا رب یا رب یا رب». بعد از این صدازدن با «یا رب» در دو فصل، و همچنین صدازدن با عناوین دیگر، می‌گوییم: «أسألك بحقک و قدسک و أعظم صفاتک و أسمائک أن تجعل اوقاتى من الليل و النهار بذكرک معمورة و بخدمتک موصولة».^۲

خدایا بعد از این همه صدازدن‌ها، به حقت، به



کلام ما در خطبه اول در موضوع «تقوای عملی» بود. با توجه به اینکه امروز مصادف است با شب میلاد مسعود امام هشتم(ع)، در بحث تقوای عملی به نکته‌ای اشاره می‌کنم. ماه ذی‌القعدة به امام رضا(ع) تعلق دارد. مسئله مهم برای شما برادران و خواهرانی که به زیارت امام هشتم آمده‌اید و نیز برای شما عزیزان مجاوری که مقیدید امشب و فردا ملازم محضر مقدس امام هشتم(ع) باشید، درخواست حاجات خودتان از امام رضا(ع) است.

بسیاری از من می‌پرسند: «شب ولادت امام رضا(ع) از حضرت چه حاجتی بخواهیم؟» اینکه می‌گوییم: «از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟» مفهوم خوبی ندارد. مفهومش این است که امام رضا(ع) یک چیز بیشتر نمی‌دهد! عنایت و رأفت امام هشتم(ع)، آن‌هم در ماه ذی‌القعدة و مخصوصاً در شب و روز متعلق به خود ایشان، آن قدر هست که آنچه بخواهیم، امام رضا(ع) به ما می‌دهد. هیچ محدودیتی در عنایت امام



عمر در خدمت حضرت باشم، آنجا همیشه در خدمت حضرتم. آمد به این آقای خراسانی گفت: «من اهل این معامله نیستم. آنی که من دارم، ارزشش بیشتر است.»^۱ خوش به حال شمایی که خدمتگزار امام رضا(ع) هستید.

حضرت در سفر بودند. رسم حضرت این بود وقتی موقع غذا می‌شد و سفره می‌انداختند، با خدمه سر یک سفره می‌نشستند. یک نفر از شیعیان بلخ شنیده بود امام رضا(ع) می‌آیند. آمد در مسیر راه تا حضرت را ببیند. کاروان پیاده شدند و همه سر سفره نشستند و غذا می‌خورند. از یک نفر پرسید: «امام رضا کجا هستند؟» امام را نشان داد. بلخی ناراحت شد که: «آقا، شما لاقط یک سفره دیگر ببندازید و بنشینید که یک نفر آمد، شما را بشناسد.» حضرت غضبناک شدند و گفتند: «ساکت شو! من با این‌ها چه فرقی دارم؟! تفاوت من با این‌ها چیست؟ من و این‌ها همه از آدم و حوا هستیم. چه امتیازی به این‌ها دارم که سفره‌ام را جدا کنم؟»^۲

.....
۱. شیخ عباس قمی، منازل الآخرة و المطالب الفخره، ص ۲۸۲؛ حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۴۷.

خدمات و زحمات عزیزان است.

بنده به نمایندگی از همه شما مردم دل‌داده ساحت مقدس امام هشتم(ع)، از خدمتگزاران حریم مطهر علی بن موسی‌الرضا(ع) و در رأس آن تولیت آستان قدس حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مروی و همه عزیزان خدمتگزار در این آستان مقدس متشکرم و امیدوارم اجر خدمتگزاری‌شان را از خود امام رضا(ع) بگیرند.

«من حاضرم؛ اما باید از آقا اجازه بگیرم.»
غلام به مسجد آمد و به حضرت گفت: «اگر خبری به من برسد، شما مانع می‌شوید؟» گفتند: «چرا مانع بشوم؟ کمک هم می‌کنم این خیر بهتر به تو برسد.» موضوع را به حضرت عرض کرد: «آقای ثروتمند، ملک‌دار، پول‌دار، مستغلات‌دار و سرمایه‌دار، هستی‌اش را به من می‌دهد و من افسار اسب را به او بدهم و بعد از این، خدمتگزار شما به جای من، این شخص باشد.» حضرت فرمودند: «من راضی‌ام و حرفی ندارم. به تو قول می‌دهم مشکلی هم در زندگی‌ات پیدا نمی‌شود و مشکلی هم در زندگی پیش آمد، از هر جا متوسل بشوی، مشکلت را برطرف می‌کنیم. ارتباطمان را هم با تو قطع نمی‌کنیم و تو بر زندگی راحتی داشته باش.»

این غلام خوش حال بلند شد برود. دوسه قدم از حضرت فاصله گرفت. حضرت(ع) صدایش زدند و گفتند: «چون مدتی با ما بودی، خواستم این را به تو بگویم: هر کس هر قدر اینجا با ما باشد، آن طرف هم همین قدر با ماست.» این را که فرمودند، غلام فکر کرد و گفت من تا اینجا در خدمت حضرت بوده‌ام و آنجا همین قدر در خدمت حضرتم. اگر تا آخر

امام رضا(ع) به خدامشان خیلی توجه دارند. دو نکته را عرض کنم: امام صادق(ع) در مدینه بودند. یکی از شیعیان خراسانی به حج رفت. به مدینه که رسید، تصمیم گرفت خدمت امام صادق(ع) برسد. رفت در خانه حضرت را زد. گفتند: «حضرت منزل نیستند.» گفت: «کجا حضرت را ببینم؟» گفتند: «مشرف شده‌اند مسجد. به مسجد رفت. دم در مسجد که رسید، دید اسبی را زین کرده و کنار در مسجد نگه داشته‌اند و غلامی افسار اسب را دست گرفته است. از یکی پرسید: «امام صادق را در مسجد ندیدی؟» گفت: «این اسب اسب امام صادق و این غلام هم غلام ایشان است. حضرت در مسجد نماز می‌خوانند که بیایند سوار شوند و برگردند.» یک مرتبه تکان خورد. نزد غلام آمد و گفت: «من از فلان شهر آمده‌ام. آمده‌ام با تو معامله کنم. حاضری معامله کنی؟» غلام گفت: «چه معامله‌ای؟» گفت: «من در آن شهر خانه، زندگی، مستغلات و املاک دارم. همه را می‌دهم به تو. تو افسار این اسب را به من بده تا من بشوم غلام امام صادق و تو بشوی صاحب این املاک و مستغلات.» غلام فکر کرد و دید معامله بدی نیست. گفت:

عزت و عظمت خدام امام رضا(ع)

لحظه آخر هم که حضرت(ع) مسموم شده بودند، به اباصلت گفتند: «اگر الان من از بین بروم، خدام من غذا نمی‌خورند. سفره بینداز این‌ها بنشینند و غذا بخورند که اگر بعد



خطبه دوم

عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را

به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

فرارسیدن سالروز میلاد مسعود ولی نعمت عزیز و بزرگوار ما امام هشتم ثامن الحجج(ع) را

به محضر مقدس شما برادران و خواهران تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم همه ما مشمول رافت خاص آن حضرت در این ایام قرار بگیریم.

مسئولان پای جلوگیری از تکرار این حوادث باشند



«حادثه جان‌گداز تصادف قطار که متأسفانه عده‌ای از زوار امام هشتم آسیب دیدند و بعضی از بین رفتند، باعث تأثر خاطر شد. امیدواریم خداوند متعال عزیزانی را که در مسیر زیارت امام هشتم(ع) به این آسیب مبتلا شدند، در ردیف شهدای اسلام محسوب بفرماید و آن برادران و خواهرانی را که دچار جراحت شدند، در زمره جانبازان فداکار اسلام محسوب فرماید.

همه برادران و خواهران و مسئولان باید توجه کنند: الان دوسه حادثه رخ داده که حادثه طبیعی نیست: حادثه آبادان، قضیه قطاری که از مشهد برمی‌گشت و یک حادثه دیگر در شهر ما که حادثه طبیعی نیست. به هر حال ندانم کاری یک انسان این حادثه را به وجود آورده است.

من هم این را شنیده‌ام و خبر قطعی ندارم و ان شاء الله که این‌طور نباشد. گفته شده راننده بیل مکانیکی در حالت عادی نبوده و آن را وسط راه آهن گذاشته است. این اقدام به قیمت از دست رفتن ۲۲ نفر انسان و عزیز، عزاداری ۲۲ خانواده تمام شده است. نمی‌شود به سادگی از کنارش گذشت. این بی‌توجهی و مراقبت نکردن موجب حادثه شده است. مگر خط ریل آزاد است و نگهبان ندارد؟! یک انسان بی‌احتیاط بیاید جان ۲۲

نفر انسان را بگیرد و ۸۰ نفر را زخمی کند؟! حالا چقدر خسارت‌های مالی به بیت‌المال وارد شده است، این را هم خدا می‌داند. از جریان نمی‌شود گذشت. نمی‌شود از کنار مسئله بگذریم و بگوییم این‌ها شهدای راه خدا هستند، این‌ها هم جانباز راه و به همین اکتفا کنیم. این نه تنها جای بررسی دارد؛ بلکه باید از افراد و ابعاد مختلف پیگیری شود. در هر حال این‌گونه حوادث قابل تحمل نیست. زلزله و حوادث طبیعی ممکن است صدها نفر را از بین ببرد. این حادثه طبیعی قابل پیش‌بینی نبوده است؛ اما در این حادثه ارادی، پای یک انسان وسط است. داستان

خدام در کانون توجه امام رضا(ع)

طبق معمول مقارن با میلاد مسعود امام هشتم(ع)، کسی فعالیت‌ها و خدمات خالصانه آستان قدس را گزارش می‌دهد. امروز از بیانات اثربخش و بسیار مفید قائم‌مقام محترم

تولیت آستان قدس جناب آقای دکتر رحمتی استفاده کردیم و یک گزارش همگانی درباره خدمتگزاری و نوکری در این آستان مقدس را بیان فرمودند. وظیفه ما هم تشکر از این





حقیقت ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر در وی سه ویژگی باشد:

**فهم دین، اندازه‌گیری درست در زندگی،
شکبیایی درسختی‌ها و گرفتاری‌ها.**

نصف القول می‌گوید:

ما را از پایداری مردم مادر پای ستون خیمه این نظام خشنود و راضی بگردان.
سایه پربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ما مستدام بدار.
دشمنان ناپاک ما را در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار، دلیل و نابود و ریشه‌کن بفرما.
.....
۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
۲. و البضاعة قطعة من المال تعدّ للتجارة (حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۸۴).

منوره و این مضجع شریف در این کشور ولایی، مردم ما را مستفیض بگردان.
خدایا، ارکان نظام ما را در پناه رأفت علی بن موسی (الرضا(ع) از همه خطرات محافظت بفرما.
خدایا، نقطه جلال و کمال عظمت علی بن موسی (الرضا(ع) و آرزوی اصلی امام هشتم(ع) یعنی فرج و ظهور مولایمان بقیه الله را تعجیل بفرما.
ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار

خدایا، این مردان و زنان به زیارت بضعه پیغمبر آمده‌اند. شما برادران و خواهران امروز که در حرم امام رضا(ع) هستید، اینجا هم تکه‌ای از وجود پیغمبر را که سرمایه پیغمبر است، دارید زیارت می‌کنید؛ پس دارید پیغمبر را زیارت می‌کنید و با حضور در محضر امام هشتم(ع)، انگار دارید در مدینه زندگی می‌کنید.
خدایا، این نعمت اقامت و ملازمت محضر علی بن موسی (الرضا(ع) را تا دم مرگ از مانگیر. خدایا، از همه برکات و رحمت این قبه



خودم برای خودم ساخته‌ام نگذارند، جایی را برایتان بسازند تا به جایی که با اعمال خودتان محشورید نروید. این قدر امام هشتم(ع) آقا است و این قدر آقایی حضرت را شما یاد داشته باشید که هم دنیا و هم آخرتتان را اداره می‌کنند.
وجود مقدس امام هشتم در تمام عرصه‌های زندگی‌شان گرفتار شیطنتها و فتنه‌ها بودند. در همه عرصه‌هایی که در زندگی امام رضا(ع) پیش آمد، این گرفتاری و

برادران و خواهران، خادم امام رضا(ع) خیلی عزت و عظمت دارد. شما در اذن دخول که می‌خوانید: «و أستاذن خلیفتک الإمام المفروض علی طاعته و الملائکة الموکلین بهذه البقعة المبارکة.»^۱ خادم امام رضا(ع) فرشته است، این عزیزی که آنجا ایستاده و خدمت می‌کند، فرشته است، با اخلاص و اشک و عشق. به صورت این‌ها نگاه کنید، قطرات اشک صورتشان را گرفته و خدمت می‌کنند. با این اخلاص، این‌ها فرشته هستند. همان ملائکه این‌ها هستند. این‌ها عزت و عظمت دارند و از همه خدمات و زحمات و اخلاص ایشان در انجام وظیفه‌شان متشکریم و امیدواریم خداوند متعال به پاس این خدمات، دنیا و آخرت شما را اداره کند.

در دنیا در خدمت امام رضا(ع) هستید و از لحظه‌ای که قابض الارواح سراغ شما می‌آید، آقا ببینند بالای سر شما و آنجا هم در خدمت حضرت باشید. آقا این قدر آقا است که آنجا هم می‌تواند برای من آلوده جایگاهی درست کند و من را بیاورند آنجا و در قبری که

نقش امام رضا(ع) در تثبیت خط امامت



پیغمبر اکرم(ص) درباره دو عزیزشان تعبیر «بضعه» را به کار بردند: وجود مقدس صدیقه اطهر(س) و وجود اقدس امام رضا(ع).
درباره صدیقه اطهر فرمودند: «إن فاطمة بضعة مني.»^۱ (فاطمه بضعه من است.) درباره امام هشتم فرمودند: «ستدفن بضعة مني بخراسان.» (بضعه‌ای از من در سرزمین خراسان دفن می‌شود.) بضعه را مترجمه می‌کنیم «پاره تن»؛ اما این طور نیست. بضعه از ماده بضاعت است. بضاعت یعنی سرمایه.^۲ در اجزای بدن انسان، آن عضوی که جنبه سرمایه‌ای دارد، بضعه نامیده می‌شود. کبد و قلب را بضعه می‌گویند؛ چون سرمایه حیاتی است.
پیغمبر می‌گویند آن وجودی که سرمایه من است، میوه دلم صدیقه اطهر است و دومین وجودی که سرمایه وجودی من است و از من

طفولیتش که حادثه‌ای رخ داد، از آن زمان تصمیم گرفت امامت را براندازد و در مقابل خلافت عباسی، جریانی به عنوان امامت نباشد. وجود مقدس امام رضا(ع) اگر نبودند و فتنه‌های مأمون را بر ملا نمی‌کردند، امامت از بین می‌رفت و منقطع می‌شد؛ لذا پیغمبر اکرم همان طور که از حضرت زهرا(س) تعبیر به بضعه کردند، از وجود مقدس امام هشتم(ع) نیز تعبیر به بضعه کردند.

اکران شهری پوستره‌های دهه کرامت

هم‌زمان با فرارسیدن ایام دهه کرامت، پرده‌هایی در توصیف و بیان درس‌هایی از امام رضا علیه السلام توسط همسنگرهای مسجدی در سطح شهر مشهد مقدس نصب گردید.



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان‌های خراسان
Masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی
Alamolhoda.com